

رابطه سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان متأهل

معصومه ضرب استجابی* ، حامد برماس** و هادی بهرامی***

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در میان دانشجویان متأهل بود. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دانشجویان متأهل بودند که از میان آن‌ها ۱۵۰ نفر (۹۳ زن و ۵۷ مرد) به عنوان نمونه پژوهشی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای بررسی متغیرها از پرسشنامه‌های سبک تفکر (استرنبرگ و واگنر، ۱۹۹۲)، رضایت زناشویی (انریچ، ۱۹۹۹) و بهزیستی روان‌شناختی (ریف، ۱۹۸۹) استفاده شد. رابطه متغیرهای فوق با روش‌های آمار توصیفی (فراوانی و درصد)، استنباطی (آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس چند متغیره چند راهه) با نرم افزار spss بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک تفکر و رضایت زناشویی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین رابطه بین سبک تفکر قانون‌گذار و بهزیستی روان‌شناختی به صورت مستقیم و معنادار به دست آمد.

کلید واژه‌ها

سبک‌های تفکر؛ رضایت زناشویی؛ بهزیستی؛ روان‌شناختی؛ دانشجویان

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی es.parisa@yahoo.com

** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد کرج

*** استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۲

مقدمه

آنچه در زندگی برای ما اتفاق می‌افتد، نه تنها به میزان درست اندیشیدن، بلکه به چگونگی تفکر ما نیز مربوط است. رابرت استرنبرگ^۱ (۱۹۹۷)، شیوه‌های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را به عنوان «سبک تفکر» نام‌گذاری کرده است. به نظر او شیوه‌های تفکر به عنوان شیوه‌های ترجیح داده شده در به‌کارگیری استعدادها تعریف می‌شود. از نظر او، سبک تفکر، روش رجحان یافته تمرکز است. البته، سبک تفکر یک توانایی نیست، بلکه به چگونگی استفاده فرد از توانایی‌هایش اشاره دارد. اگرچه ممکن است افراد در توانایی‌ها مشابه باشند، اما در سبک‌های تفکر از یکدیگر متفاوت هستند (سیف، ۱۳۷۹).

به عبارت دیگر، انسان در اداره فعالیت‌های خود، شیوه‌هایی بر می‌گزیند که با آن احساس راحتی بیشتری دارد. شیوه‌ها به تنهایی با قابلیت‌ها یا توانایی ارتباط ندارند، بلکه شیوه‌ها نحوه بیان یا به‌کارگیری یک یا چند توانایی را نشان می‌دهند (زانگ و پاستیگلون^۳، ۲۰۰۱).

ارزش هر انسان در نیکو اندیشیدن اوست. به همین دلیل تفکر و مهارت درست اندیشیدن از جمله مسائل مهمی است که از دیر باز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است به طوری که امروزه مسأله اساسی تعلیم و تربیت افراد متفکر است، چرا که در جهان کنونی اطلاعات نقش مهم و اساسی دارند و از هر طرف اخبار و اطلاعات متفاوتی به فرد می‌رسد که برخی از آن‌ها سالم و صحیح و برخی دیگر غلط و ناسالم هستند. به همین دلیل در این زمان بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به تفکر احساس می‌شود تا بتوان به‌وسیله آن، این اطلاعات را بررسی و بر اساس اطلاعات سالم عمل کرد. از طرف دیگر در برابر مشکلات پیچیده جهان امروز نیاز است با توسل به نیروی تفکر راه حل‌های مناسب و در صورت لزوم جدیدی برای

-
1. Sternberg
 2. Thinking Style
 3. Zhang & Postiglione

این مشکلات یافت. به‌طور کلی، فکر کردن نوعی تحریک شدن یا ظاهر شدن متوالی رمزها یا سمبل‌هاست. وقتی ما درباره چیزی فکر می‌کنیم، این امر باعث می‌شود درباره چیز دیگری هم فکر کنیم. مطلب دوم نیز مطلب سوم را در ذهن ما متبادر می‌کند و الی آخر. به این طریق، جنبه‌های مختلفی از جهان را می‌سازیم که در میدان تجربه ما قرار می‌گیرد و دوباره مرتب می‌کنیم. این فرایند جز موقعی، که اصطلاحاً با صدای بلند فکر می‌کنیم، به‌طور ضمنی انجام می‌گیرد. تفکر شامل هر نوع فعالیت ذهنی است که به تدوین یا حل یک مسأله، تصمیم‌گیری یا فهم مطلب کمک می‌کند. در واقع از طریق اندیشیدن است که ما به حیات معنا می‌بخشیم و در مجموع یک فعالیت آگاهانه است، اما تأثیر فرایندهای ناآگاهانه بر آن را هم نباید نادیده گرفت (فیشر^۲، ۱۳۸۵).

با شناخت سبک تفکر، فرد می‌تواند با تفکیک و سازماندهی افکار و احساسات خود، شناخت بیشتری از خود به دست آورد و در نتیجه با آگاهی بیشتر به نقاط ضعف و قدرت خود، رفتارهای سالم و سازنده‌ای را اختیار کند و به ساختار شخصیتی و روابط متقابل فردی خود پی ببرد (استرنبرگ، ۱۳۸۱).

رضایت زناشویی یکی از اهداف اولیه و اساسی هر ازدواجی است و همه زوجین خواستار آن هستند که زندگی توأم با رضایت داشته باشند. این رضایت متأثر از عوامل مختلفی است که از آن میان می‌توان به عوامل اقتصادی، اعتقادات مذهبی، آداب و سنن اجتماعی، عوامل جسمانی، تفاهم فکری، ارضای عاطفی و ارضای جنسی اشاره کرد (گری، ۱۳۷۶). اغلب زن و شوهرها در رفتار با شخص ثالث مشکلی ندارند، اما به ندرت می‌توانند با درک لازم، روابط صمیمانه خود را تقویت کنند، اغلب زوجین از دانش لازم برای درک خواسته‌های همسران خود ناآگاهند، بدین جهت وقتی مشکلات نمایان می‌شود و ناسازگاری بالا می‌گیرد، زن و شوهر جنبه‌های مثبت یکدیگر را از یاد می‌برند. به تدریج کار به جایی می‌رسد که اصل زندگی مشترک زیر سؤال می‌رود

و گرفتاری اصلی شروع می‌شود (بک^۱، ۱۳۷۳). الیس^۲ (۱۹۸۹) نیز در نظریه عقلانی هیجانی خود جایگاه ویژه‌ای برای سبک تفکر در این رابطه قائل است و اضطراب، اختلالات رفتاری و مشکلات زناشویی را زاده تفکر خیالی و بی‌معنی انسان می‌داند. گلاسر^۳ و گلاسر نیز در نظریه واقعیت‌درمانی و تئوری انتخاب خود بر این نکته تأکید کردند که آنچه ما می‌توانیم و در صورت فقدان رضایت از رفتارمان باید تغییر دهیم، شیوه تفکر و عمل ما است و اگر اقدامات و افکار بهتری انتخاب کنیم، از نظر عاطفی احساس بهتر و فیزیولوژی سالم‌تر و البته ازدواج موفق‌تری خواهیم داشت (گلاسر و گلاسر، ۱۳۸۱).

ظهور و اوج‌گیری روان‌شناسی مثبت‌نگر در سال‌های اخیر، موجب شده که علاقه و توجه به ابعاد مثبت کارکرد روان‌شناختی به مثابه رویکردی نوین در پژوهش‌های بهزیستی روان‌شناختی افزایش چشمگیری پیدا کند (لوکاس و دیرنفورت^۴، ۲۰۰۶). اساس روان‌شناسی مثبت‌نگر بر پذیرش انسان در جایگاه موجودی توانمند و شایسته است که می‌تواند توانایی‌های خود را شکوفا کند. بنابراین، هدف مطالعه نیرومندی‌ها، شادمانی انسان‌ها، توجه به نقاط قوت و بنا نهادن ویژگی‌های مثبت است. روان‌شناسی مثبت‌نگر سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی تلقی و آن را در قالب اصطلاح «بهزیستی روان‌شناختی» مفهوم‌سازی کرده است، از این منظر بهزیستی روان‌شناختی به معنی کارکرد روان‌شناختی بهینه است (ریان و دسی^۵، ۲۰۰۱). به بیان کارادماس^۶ (۲۰۰۷) بهزیستی روان‌شناختی را می‌توان واکنش‌های عاطفی و شناختی به ادراک ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصی، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت در طی زمان تعریف کرد.

توجه به سبک تفکر زوجین، زمینه‌های لازم برای رسیدن به شادکامی و سعادت

-
1. Beck
 2. Ellis
 3. Glasser
 4. Locas & Dyrenforth
 5. Ryan & Deci
 6. Karadmas

در زندگی زناشویی را فراهم آورده و موجب ایجاد تفاهم بیشتری میان زوجین می‌شود. اساس تعاملات زوجین سبک تفکر آنهاست که به عنوان منبع آگاهی از مشکلات و موفقیت‌ها در روابط زناشویی است. اعتقاد بر این است که با مد نظر قرار دادن سبک تفکر یکدیگر افراد می‌توانند روابط سالم، صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز کنند و نیز قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند (کاراداماس، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های گوناگون نشان داده‌اند که سبک‌های تفکر از متغیرهای متعددی همچون فرهنگ، جنسیت، سن، رشته تحصیلی، سابقه کار و سبک تفکر والدین و ... تأثیر می‌پذیرند و با فرایندهای خلاقیت، حل مسأله، تصمیم‌گیری، پیشرفت تحصیلی و ... مرتبط هستند. بنابراین، سبک‌های تفکر با متغیرهای درونی و بیرونی بسیاری در ارتباط است که می‌توان آن‌ها را بررسی کرد (رضوی و شیری، ۱۳۸۴).

جنسیت متغیری است که به صورت بالقوه در تحول سبک‌های تفکر نقش دارد. ویلیامز و ست مطالعه‌ای را درباره صفات و ویژگی‌های مردان و زنان ۳۰ کشور انجام دادند. این صفات صفاتی بودند که به طور ملاحظه‌پذیری در این افراد پایدار بودند. باری، پورتینگا، سگال و دانسین معتقد هستند که پایداری در رفتارهای کلیشه‌ای جنسی آن چنان زیاد است که ما تنها چند نمونه‌ای از همگامی‌های فرهنگی را می‌توانیم بیابیم. برای مثال: جنس مذکر به عنوان افرادی ماجراجو، متحور، فردگرا، متکبر و پرخاشگر معرفی می‌شوند. از نظر استرنبرگ مردها بیشتر برای سبک تفکر قانون‌گذار، درون‌گرا و آزادی‌خواه تشویق می‌شوند و زن‌ها بیشتر برای سبک‌های تفکر اجرایی و قضاوتی، برون‌نگر و محافظه‌کارانه تشویق می‌شوند. بدین ترتیب زنان و مردان از نظر اجتماعی (احتمالاً از بدو تولد) به شیوه‌های متفاوتی تربیت می‌شوند. آنچه که به عنوان رفتار مطلوب یا حداقل رفتار مقبول می‌تواند در نظر گرفته شود در مردان و زنان متفاوت است. این یک دلیل غیر رسمی و خوب برای این حقیقت است که زنان و مردان از لحاظ تفکر اجرایی خود را با انتظارات متفاوتی مواجه ببینند (استرنبرگ، ۱۳۸۱).

گرین^۱ (۱۹۹۵) با توجه به اطلاعات به دست آمده درباره رضامندی زناشویی با استفاده از پرسشنامه رضایت زناشویی از میان ۵۰ زوج آمریکایی - آفریقایی مقیم ایالت ایرلند نشان داد که رابطه کافی بین میزان رضایت زوج‌های آفریقایی آمریکایی و سن، تحصیلات و درآمد وجود دارد. تحقیقات دامنه‌دار نشان می‌دهد که مدارج تحصیلی در خوشبختی خانوادگی بسیار مؤثر است، زیرا مقدار تحصیل معمولاً مربوط است به مقام اجتماعی شخص. تفاوت تحصیلات وسیع ممکن است سبب ایجاد احساس حقارت و آزرده‌گی شود. فقدان درک صحیح طرفین از یکدیگر مشکل دیگری است که از اختلاف سطح تحصیلاتی و طبقاتی میان زن و شوهر نشأت گرفته است و دیدگاه فرد تحصیل کرده ممکن است نسبت به شرایط اطراف خود خیلی واقع بینانه‌تر باشد تا همسر خود، زیرا که او مسلماً آگاهی بیشتری نسبت به مسائل اطراف خود دارد، ولی همسرش اگر همپا و همسطح او نباشد، طرز تفکری کاملاً متفاوت نسبت به مسائل مختلف خواهد داشت و بر همان اساس واکنش آن‌ها نسبت به این مسائل هم متفاوت است (شاملو، ۱۳۷۲).

پس به‌طور خلاصه می‌توان چنین مطرح کرد که تحصیلات نیز در زمره عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی است و گرایش انسان‌ها به گزینش همسری مشابه از نظر تحصیلی به چشم می‌خورد. چرا که همگونی زوجین از نظر تحصیلی در اکثر موارد به معنای همگونی طبقاتی نیز هست و تحصیلات معمولاً همچون شاخصی در نوع فرهنگ، اندیشه و جهان‌بینی انسان‌هاست، پس تشابه تحصیلی به معنای تشابه دیدگاه‌ها نیز هست که این خود در رضامندی زناشویی تأثیر دارد.

ابعاد بهزیستی روان‌شناختی در میان جوانان، میان‌سالان و سالخوردگان آزمون شده است. ریف و سینگر^۲ (۱۹۹۸) دریافتند که تسلط بر محیط و خود پیروی از سنین جوانی تا میانسالی افزایش پیدا می‌کند در حالی که رشد و بالندگی فرد و هدف در زندگی، با افزایش سن به‌ویژه از دوران میانسالی تا سنین پیری کاهش می‌یابد. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند دوره سنی معینی را نمی‌توان به احساس بهزیستی

1. Green
2. Singer

اختصاص داد. هر چند ممکن است عوامل پیش‌بینی‌کننده احساس بهزیستی (نظیر سلامت بدنی، رضامندی از روابط اجتماعی) همراه با سن تغییر کند (اینگله‌هارت^۱، ۱۹۹۰؛ به نقل از نوری و همکاران، ۱۳۸۱).

از نظر میزان شادی یا احساس بهزیستی در زنان و مردان تفاوتی مشاهده نشده است. نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که جنسیت کمتر از ۱٪ در بهزیستی و رضامندی عمومی مؤثر است. و این یافته در مطالعات بین‌المللی از ۱۶ کشور نیز تأیید شده است. در پژوهش میکالوس^۲، (۱۹۹۱) نتایج مشابهی نیز از دانشجویان از ۳۹ کشور به‌دست آمده است (به نقل از نوری و همکاران، ۱۳۸۱).

لیونسون و روبرت^۳ (۱۹۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که میان نارضایتی از زندگی زناشویی و سلامت روان رابطه وجود دارد. در نارضایتی از زندگی زناشویی، زنان نسبت به مردان مشکلات بیشتری درباره مسائل جسمانی و روانی ابراز کردند.

پژوهش استیون و کیگر^۴ (۲۰۰۰) نشان داد که رضایت زن از تقسیم کارهای خانگی و ارتقای شغلی او، از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رضایت‌مندی زناشویی در زنان هستند. برای مردان نیز رضایت از تقسیم کارخانگی و ارتقاء شغلی مهم‌ترین پیشگویی‌کننده‌های رضایت‌مندی زناشویی هستند؛ پس در رابطه با میزان رضایت زناشویی در زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد.

اساس این پژوهش بر پایه نتایج مختلف در پیشینه در مورد رضایت زناشویی است که عامل جنسیت یک عامل مؤثر است یا خیر به طوری که بعضی از نتایج نشان داده که میزان رضایت زناشویی در زنان و مردان متفاوت است، اما بعضی دیگر معتقد هستند که میزان رضایت زناشویی در زنان و مردان یکسان است و تفاوتی در جنسیت وجود ندارد که این تضاد در نتایج، انگیزه‌ای شد برای اجرای این پژوهش. لذا پژوهشگران با توجه به اهمیت موضوع در صدد انجام‌دادن پژوهشی برآمدند تا نتایج حاصله را در رابطه با متغیرهای دیگر آزمون و بررسی کنند.

-
1. Inglehart
 2. Michalos
 3. Levenson & Robert
 4. Steven & Kiger

بدین ترتیب لزوم اجرای پژوهش درباره روابط موجود میان سبک تفکر، رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی به منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر در این زمینه برای رسیدن به راهکارهای مؤثر محرز می‌شود. در این پژوهش هدف، کشف و بررسی روابطی است که میان سه متغیر سبک‌های تفکر، رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی وجود دارد، تا بتوان از طریق بهبود و ارتقاء هر یک از آن‌ها به بهبود و ارتقاء دیگری کمک کرد. که با توجه به پیشینه پژوهش هیچ بررسی همزمانی انجام نشده است. همچنین همه بررسی‌های انجام شده قبلی در جامعه معمولی انجام شده است که در پژوهش کنونی در جامعه دانشجویان انجام شد تا مشخص شود آیا تحصیلات در سبک تفکر یا رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی تأثیر دارد؟

فرضیه‌های پژوهش عبارت هستند از:

فرضیه اصلی: بین سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان متأهل رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. آیا سبک‌های تفکر افراد نمونه به تفکیک مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن و میزان تحصیلات متفاوت است؟
۲. آیا رضایت زناشویی افراد نمونه به تفکیک مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن و میزان تحصیلات متفاوت است؟
۳. آیا بهزیستی روان‌شناختی افراد نمونه به تفکیک مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن و میزان تحصیلات متفاوت است؟

روش

به منظور تحقق هدف پژوهش و پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از روش همبستگی استفاده شد؛ این پژوهش از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی است. حجم نمونه شامل ۱۵۰ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. علت این

تعداد حجم نمونه این است که مطابق با پیشنهاد لیندمن^۱ و همکاران (۱۹۸۰)؛ به نقل از هومن، (۱۳۸۴) حجم گروه نمونه در مطالعات رگرسیون و همبستگی دست کم باید ۱۰۰ نفر باشد و البته دلاور (۱۳۸۶) حداقل حجم گروه نمونه برای روش همبستگی را ۳۰ نفر بیان می‌کند، اما در مطالعه حاضر برای افزایش اعتبار بیرونی پژوهش و کاهش عوامل مزاحم، حجم نمونه ۱۵۰ در نظر گرفته شده است. در این پژوهش نمونه‌گیری به این صورت انجام شد که ابتدا از میان ۱۷ دانشکده واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد تهران، ۳ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شد که عبارت بودند از دانشکده‌های علوم پایه، فنی مهندسی و علوم انسانی. سپس در هر دانشکده از بین رشته‌های تحصیلی متعدد، دو رشته به صورت تصادفی انتخاب شد که به این ترتیب رشته‌های شیمی، میکروبیولوژیک، مکانیک، عمران، روان‌شناسی و الهیات در پژوهش شرکت داده شدند. پس از آن با مراجعه به برنامه آموزشی هر دانشکده، محل برگزاری کلاس‌ها شناسایی شد و طی مدت ۲ هفته، هفته‌ای ۴ روز به دانشکده‌های مذکور مراجعه شد. که با حضور در سر کلاس‌هایی که تشکیل می‌شد و با درخواست از دانشجویان متأهل، پرسشنامه‌ها پیش از حضور استاد در اختیار دانشجویان قرار داده می‌شد و بعد حدود نیم ساعت پس از اتمام کلاس جمع‌آوری می‌شد که متأسفانه همه پرسشنامه‌ها برگردانده نشد. در حدود ۱۸۰ پرسشنامه در میان دانشجویان توزیع شد، اما از این تعداد ۳۰ پرسشنامه برگردانده نشد. از ۱۵۰ پرسشنامه تحویل داده شده ۹۳ نفر از پاسخگویان زن و ۵۷ نفر از آن‌ها مرد بودند. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌های لازم از پرسشنامه‌های استاندارد شده استفاده شد که به شرح زیر بودند: به منظور اندازه‌گیری سبک‌های تفکر از پرسشنامه (۲۴) گویه‌ای) سبک تفکر استرنبرگ واگنر، برای بررسی میزان رضایت زناشویی از پرسشنامه (۴۷ گویه‌ای) رضایت زناشویی انریچ، برای بررسی بهزیستی روان‌شناختی از پرسشنامه (۸۴ گویه‌ای) بهزیستی روان‌شناختی ریف؛ شامل ۶ عامل (خودکاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود).

جوکار (۱۳۸۵) ضرایب پایایی برای سبک‌های قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی را به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۲ و ۰/۶۶ به دست آورد که با توجه به تعداد گویه‌ها ضرایب مطلوبی بود.

در این پژوهش برای بررسی ضرایب پایایی پرسشنامه سبک تفکر بعد از اجرای پرسشنامه‌های مذکور در میان ۳۰ نفر از جامعه آماری به ترتیب برای مؤلفه‌های (اجرایی، قضاوتگری، قضایی) آلفاهای ۰/۹۴-۰/۹۱-۰/۹۴ محاسبه شد.

اولسون (۱۹۸۹) اعتبار پرسشنامه رضایت زناشویی را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده است و سلیمانیان (۱۳۷۳) ابتدا پرسشنامه را ترجمه کرده و سپس سؤالات را متخصصان روان‌شناسی مشاهده و روایی محتوایی پرسشنامه را تأیید کردند. سپس پرسشنامه در میان یک گروه ۱۱ نفری اجرا شد و ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا محاسبه شد که عدد ۰/۹۳ به دست آمد. برای تهیه فرم کوتاه پرسشنامه، او همبستگی هر یک از سؤالات با کل پرسشنامه را از طریق ضریب همبستگی محاسبه و سپس ۴۷ سؤال دارای همبستگی نسبتاً بالا را انتخاب کرد و مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی را بر روی یک گروه ۱۱ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه و ضریب اعتبار ۰/۹۵ را به دست آورد (بهاری، ۱۳۸۶).

در این پژوهش برای بررسی ضرایب پایایی پرسشنامه رضایت زناشویی بعد از اجرای پرسشنامه مذکور در میان ۳۰ نفر جامعه آماری به ترتیب برای مؤلفه‌های رضایت زناشویی آلفاهای ۰/۷۶-۰/۷۲-۰/۷۵-۰/۷۲-۰/۸۶-۰/۸۶-۰/۸۴-۰/۷۵-۰/۸۲ محاسبه شد.

روایی محتوایی و سازه‌ای آزمون بهزیستی روان‌شناختی در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است (میکاییلی، ۱۳۸۷). این مقیاس در آغاز در میان نمونه ۳۲۱ نفری (۱۳۰ مرد و ۱۹۱ زن) اجرا شد. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۱۹/۵ سال بود و ۴۷٪ دارای تحصیلات کارشناسی بودند. ضریب همسانی درونی مقیاس‌ها بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۳ و ضریب پایایی بازآزمایی پس از شش هفته در میان نمونه ۱۱۷ نفری بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۶ به دست آمد. همچنین همبستگی بین خرده مقیاس‌ها بین ۰/۳۲ تا ۰/۷۶ گزارش شد که بالاترین همبستگی بین پذیرش خود و تسلط بر محیط ۰/۷۶ و پایین‌ترین همبستگی بین خود مختاری و روابط مثبت با دیگران (۰/۳۲) به دست آمد (بیانی، ۱۳۸۷). ریف (۱۹۸۹) شواهدی از روایی آزمون را از طریق محاسبه ضریب همبستگی نمرات مقیاس بهزیستی روان‌شناختی با نمرات آزمون‌هایی بررسی شد که عملکرد مثبت روان‌شناختی (روایی همگرایی^۱) و عملکردهای منفی روان‌شناختی (روایی واگرایی^۲) یا

-
1. Convergent
 2. Divergent

افتراقی) را می‌سنجید. نتایج نشان دادند که بین ۶ عامل این پرسشنامه با آزمون‌هایی که عملکردهای مثبت روان‌شناختی را می‌سنجند (مانند شاخص رضامندی از زندگی نیوگارتن، عزت نفس روزنبرگ^۱، کنترل درونی لونسون^۲، تعادل عاطفی برادبورن و مقیاس اخلاق لائوتون^۳) همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت که مجموعاً روایی مقیاس را تأیید می‌کردند. در این پژوهش برای بررسی ضرایب پایایی پرسشنامه بعد از اجرای پرسشنامه مذکور در میان ۳۰ نفر جامعه آماری به ترتیب برای مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی آلفاهای ۰/۹۳-۰/۷۴-۰/۶۲-۰/۷۰-۰/۷۶-۰/۸۳ محاسبه شد.

برای کنترل داده‌های پرت و استفاده از کلیه افراد نمونه در تجزیه و تحلیل اطلاعات قبل از به دست آوردن نمرات متغیرهای مورد بررسی میانگین نمرات تک تک گویه‌ها محاسبه شد و این میانگین در داده‌ها جایگزین داده‌های از دست رفته شده‌اند.

از ساده‌ترین روش‌ها برای بیان همبسته بودن دو متغیر، استفاده از نمودارهای پراکندگی یا طرح‌های پراکندگی است. خطی که بر اساس این نمودار به دست می‌آید خط رگرسیون است و نشان‌دهنده یک خط مستقیم است که داده‌ها می‌توانند ایجاد کنند.

جدول ۱: نتایج مشخصه‌های آزمون میانگین در بررسی رابطه خطی بین متغیرهای مورد بررسی

منابع تغییرات	شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی فرضیه	میانگین مجذورات	F	سطح
						معناداری
سبک تفکر و رضایت زناشویی	بین ترکیبی	۹۲۸۳۰،۸۸۳	۵۱	۱۸۲۰،۲۱۳	۱،۳۳۵	۰/۱۵۷
	گروهی خطی	۷۴۲۶،۱۹۵	۱	۷۴۲۶،۱۹۵	۵،۴۴۷	۰/۰۲۴
	بودن					
سبک تفکر و بهزیستی روان‌شناختی	انحراف	۸۵۴۰۴،۶۸۸	۵۰	۱۷۰۸۰،۰۹۴	۱،۲۵۳	۰/۲۱۷
	درون گروهی جمع	۶۵۴۳۵،۸۶۷	۴۸	۱۳۶۳،۲۴۷		
	ترکیبی	۱۵۲۶۶،۷۵۰	۹۹	۲۲۷۷،۳۸۳	۱،۳۱۲	۰/۲۸۴
سبک تفکر و بهزیستی روان‌شناختی	بین ترکیبی	۱۵۲۵۸۴،۶۸۴	۶۷	۳۱۲۱،۶۰۰	۳،۱۶۹	۰/۰۰۳
	گروهی خطی	۳۱۲۱،۶۰۰	۱	۳۱۲۱،۶۰۰		
	بودن					

1. Rosenberg
2. Levenson
3. Lawton

منابع تغییرات	شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی فرضیه	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
	انحراف	۱۴۹۴۳،۰۸۳	۶۶	۲۲۶۴،۵۹۲	۱،۲۹۹	،۳۴۵
	درون گروهی	۳۸۴۱۹،۱۶۷	۳۹	۹۸۵،۱۰۷		
	جمع	۱۹۱۰۰۳،۸۵۰	۱۰۶			
رضایت زناشویی و	ترکیبی	۳۲۹۰۸،۹۷۶	۵۸	۵۶۷،۳۹۶	۱،۳۷۹	،۱۹۰
بهزیستی روان‌شناختی	بین گروهی	۳۳۱۳،۶۵۲	۱	۳۳۱۳،۶۵۲	۸،۰۵۵	،۰۰۹
	بودن					
	انحراف	۲۹۵۹۵،۳۲۴	۵۷	۵۱۹،۲۱۶	۱،۲۶۲	،۲۶۵
	درون گروهی	۱۰۲۸۳،۸۳۳	۲۵	۴۱۱،۳۵۳		
	جمع	۴۳۱۹۲،۸۱۰	۸۳			

با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار F در رابطه بین متغیرهای سبک تفکر و رضایت زناشویی با ۵/۴۴۷، سبک تفکر و بهزیستی روان‌شناختی با مقدار ۳/۱۶۹ و در سطح ۰/۰۵ رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی با مقدار ۸/۰۵۵ معنادار است؛ لذا فرض خطی بودن به بین دو متغیر مورد بررسی معنادار است، بنابراین، استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در اجرای آزمون همبستگی بلا مانع است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، جدول و نمودار)، آمار استنباطی (تحلیل رگرسیون چند متغیره، ضریب همبستگی پیرسون برای مقایسه تفاوت بین همبستگی‌ها (میان زنان و مردان) استفاده شد. به این صورت که پس از جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم و داده‌پردازی، تجزیه و تحلیل آن‌ها به کمک نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها

فرضیه اصلی. بین سبک‌های تفکر بارضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان متأهل رابطه وجود دارد.

جدول ۲: نتایج ضریب همبستگی پیرسون درباره فرضیه اصلی

۵	۴	۳	۲	۱		
/۰۸۰	/۲۱۹ (*)	/۹۰۵ (**)	/۹۲۹ (**)	۱	ضریب همبستگی	۱. سبک تفکر اجرایی
/۱۲۳	/۲۵۴ (**)	/۹۳۲ (**)	۱	/۹۲۹ (**)	ضریب همبستگی	۲. سبک تفکر قضایی
/۱۷۸	/۲۹۱ (**)	۱	/۹۳۲ (**)	/۹۰۵ (**)	ضریب همبستگی	۳. سبک تفکر قانون‌گذار
/۲۷۷ (*)	۱	/۲۹۱ (**)	/۲۵۴ (**)	/۲۱۹ (*)	ضریب همبستگی	۴. رضایت زناشویی
۱	/۲۷۷ (*)	/۱۷۸	/۱۲۳	/۰۸۰	ضریب همبستگی	۵. بهزیستی روان‌شناختی

با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار r در رابطه بین سبک‌های تفکر و رضایت زناشویی در سطح $\alpha = 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرض صفر رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر بین سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه به صورت مستقیم است. پس نتیجه می‌گیریم سبک‌های تفکر به صورت اجرایی، قانون‌گذارانه و نیز قضایی هر چه قدر در میان دانشجویان متأهل رونق داشته باشد، رضایت زناشویی آن‌ها افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین رابطه بین سبک تفکر قانون‌گذارانه و بهزیستی روان‌شناختی نیز به صورت مستقیم و معنادار است. از طرف دیگر رابطه بین رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در سطح $\alpha = 0/05$ با مقدار $r = 0/277$ معنادار است و این رابطه به صورت مثبت و مستقیم ارزیابی شده است. به این مفهوم که رضایت زناشویی بالا با بهزیستی روان‌شناختی بالا همراه است و بالعکس.

در ادامه برای بررسی روابط چندگانه متغیر سبک تفکر با رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است.

جدول ۳: نتایج مربوط به ضریب تبیین پیش‌بینی چندگانه رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های تفکر

مدل	پیش‌بین	همبستگی	ضریب تبیین	F	سطح معناداری	ضرایب بتا	T	سطح معناداری
۱	سبک تفکر قانون‌گذارانه	(a) /۲۸۳	/۰۸۰	۸/۵۴۰	/۰۰۴	/۲۸۳	۲/۹۲۲	/۰۰۴
۲	سبک تفکر قانون‌گذارانه سبک تفکر اجرایی	(b) /۳۵۱	/۱۲۳	۶/۸۱۰	/۰۰۲	/۶۸۱	-۲/۱۸۰	/۰۰۴
							۲/۹۲۲	-/۴۴۹

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول نشان می‌دهد که رگرسیون رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های تفکر، از لحاظ آماری معنادار است و این مؤلفه‌ها بخشی از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر این نتیجه نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است و شواهد کافی برای تأیید فرضیه وجود دارد. و با توجه به میزان ضریب تبیین موجود در جدول می‌توان نتیجه گرفت که متغیر سبک تفکر قانون‌گذارانه در گام اول که وارد مدل پیش‌بینی شده به تنهایی ۸ درصد از تغییرات موضوعات شخصی را تبیین می‌کند و به عنوان پیش‌بین‌ترین سبک تفکر قلمداد می‌شود. در گام دوم متغیر سبک تفکر اجرایی به معادله اضافه شده و میزان تبیین را به ۱۲/۳ درصد افزایش می‌دهد. ضرایب بتا در جدول رگرسیون نشان‌دهنده سهم هریک از متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک است. به طوری که بر اساس ضرایب موجود در جدول می‌توان چنین استنباط کرد که متغیر سبک تفکر قانون‌گذارانه بیشترین نقش را در تبیین واریانس رضایت زناشویی دارد به طوری که با یک واحد تغییر در واریانس سبک تفکر قانون‌گذارانه به اندازه ۲۸۳. در واریانس رضایت زناشویی تغییر ایجاد می‌شود. در مرحله دوم نیز متغیر سبک اجرایی به اندازه -۰/۴۴۹ روی رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های فرعی

فرضیه ۱: آیا سبک‌های تفکر افراد نمونه به تفکیک مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن، میزان تحصیلات متفاوت است؟

جدول ۴: نتایج مشخصه‌های چهارگانه F تحلیل واریانس، مربوط به فرضیه اول

شاخص	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اثر همپراش	۱۵۳۲۳/۷۷۷	۱	۱۵۳۲۳/۷۷۷	۹۸/۳۵۴	۰/۰۰۰
جنسیت	۱۴/۴۵۰	۱	۱۴/۴۵۰	۰/۰۰۹	۰/۹۲۳
سن	۳۳۳۴/۴۶۵	۲	۱۶۶۷/۲۳۲	۱/۰۶۹	۰/۳۴۷
میزان تحصیلات	۱۶۱۴/۱۵۶	۳	۲۵۰۱/۱۴۶	۱/۶۰۴	۰/۱۴۲
تعداد فرزندان	۱۷۵۰۸/۰۲۴	۷	۲۵۰۱/۱۴۶	۱/۶۰۴	۰/۱۴۲
کل	۱۶۰۵۶۵/۷۸۳	۱۰۳	۱۵۵۸/۸۹۱		
خطا	۱۶۳۳۱۶۳/۰۰۰	۱۱۷			

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ مشخصه آماری F با مقادیر متفاوت (جدول ۴) در هر چهار متغیر در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ معنادار نیست یعنی با احتمال ۹۵٪ درصد می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری در سبک‌های تفکر افراد به تفکیک جنسیت، سن و سطح تحصیلات و تعداد فرزندان آنها وجود ندارد.

فرضیه ۲: آیا رضایت زناشویی افراد نمونه به تفکیک مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن، میزان تحصیلات متفاوت است؟

جدول ۵: نتایج مشخصه‌های چهارگانه F تحلیل واریانس، مربوط به فرضیه دوم

شاخص	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اثر همپراش	۳۳۲۰۸۳/۹۰۷	۱	۳۳۲۰۸۳/۹۰۷	۹۸/۳۵۴	۰/۰۰۰
جنسیت	۹۳/۲۶۰	۱	۹۳/۲۶۰	۶۳۱/۵۳۷	۰/۶۷۵
سن	۴۸۲۴/۰۴۸	۲	۲۴۱۲/۰۲۴	۴/۵۸۷	۰/۰۱۳
میزان تحصیلات	۴۳۶۴/۴۳۰	۳	۱۴۵۴/۸۱۰	۱/۷۶۷	۰/۰۵۷
تعداد فرزندان	۳۹۴۵/۰۵۹	۶	۶۵۷/۵۱۰	۱/۲۵۰	۰/۲۹۰
کل	۴۱۰۱۵/۱۱۴	۷۸	۵۲۵/۸۳۵		
خطا	۲۴۱۴۱۴۲/۰۰	۹۱			

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود؛ مشخصه آماری F در زمینه سن با رضایت زناشویی با مقدار $F(۲, ۷۸) = ۴/۵۸۷$ در هر چهار مشخصه در سطح معناداری $\alpha = 0/05$

معنادار است؛ یعنی با احتمال ۹۵٪ درصد می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری در میزان رضایت زناشویی افراد به تفکیک سن آنها وجود دارد. و نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد که افراد بین ۲۰ - ۳۰ سال و ۳۱ - ۴۰ سال از رضایت زناشویی بیشتری بهره‌مند هستند و تفاوت معناداری در سایر مؤلفه‌ها مشاهده نشد.

فرضیه ۳: آیا بهزیستی روان‌شناختی افراد نمونه به تفکیک مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن، میزان تحصیلات متفاوت است؟

جدول ۶: نتایج مشخصه‌های چهارگانه F تحلیل واریانس چند متغیره، مربوط به فرضیه سوم

منابع تغییرات	شاخص	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اثر همپراش		۲۸۵۲۴۵۵/۸۳۲	۱	۲۸۵۲۴۵۵/۸۳۲	۱۰۰۲/۰۸۴	۰/۰۰۰
جنسیت		۹۴۹۳/۱۱۴	۱	۹۴۹۳/۱۱۴	۳/۳۳۵	۰/۰۷۲
سن		۷۴۶۹/۸۲۰	۲	۳۷۳۴/۹۱۰	۱/۳۱۲	۰/۲۷۵
میزان تحصیلات		۶۴۶۶/۷۷۰	۳	۲۱۵۵/۵۹۰	۰/۷۵۷	۰/۵۲۱
تعداد فرزندان		۲۹۸۶/۸۱۲	۶	۴۹۷/۸۰۲	۰/۱۷۵	۰/۹۸۳
کل		۲۲۷۷۲۱/۸۳۳	۸۰	۲۸۴۶/۵۲۳		
خطا		۱۵۶۶۶۵۸۶/۰۰۰	۹۳			

چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ مشخصه آماری F با مقادیر متفاوت (جدول ۶) در هر چهار مشخصه در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ معنادار نیست؛ یعنی با احتمال ۹۵٪ درصد می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری در میزان رضایت زناشویی افراد به تفکیک جنسیت، سن و سطح تحصیلات و تعداد فرزندان و تعداد آنها وجود ندارد.

بین سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی (با کنترل بهزیستی روان‌شناختی) رابطه وجود دارد.

جدول ۷: نتایج ضریب همبستگی جزئی بین مؤلفه‌های سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی

بهریستی روان‌شناختی	رضایت زناشویی	قانون گذارانه	قضایی	اجرایی	
					ضریب همبستگی
					سطح معناداری
					درجه آزادی
				۰/۹۳۱	ضریب همبستگی
				۰/۰۰۰	سطح معناداری
				۸۱	درجه آزادی
			۰/۹۴۰	۰/۸۹۵	ضریب همبستگی
			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
			۸۱	۸۱	درجه آزادی
		۰/۳۶۶	۰/۳۳۳	۰/۲۷۸	ضریب همبستگی
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۱۱	سطح معناداری
		۸۱	۸۱	۸۱	درجه آزادی
	۰/۲۵۱	۰/۱۴۸	۰/۰۸۹	۰/۰۳۲	ضریب همبستگی
	۰/۰۲۲	۰/۱۸۳	۰/۴۲۵	۰/۷۷۲	سطح معناداری
	۸۱	۸۱	۸۱	۸۱	درجه آزادی

با توجه به داده‌های جدول فوق رابطه بین سبک‌های تفکر اجرایی و قانون‌گذارانه و اجرایی با رضایت زناشویی با کنترل بهزیستی روان‌شناختی معنادار است، چون مقدار r در مؤلفه‌های یاد شده در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ به ترتیب با مقدار $0/279$ ، $0/323$ و $0/344$ معنادار است. و این رابطه در کلیه مؤلفه‌های یاد شده به صورت مستقیم معنادار است. به عبارت دیگر سبک‌های تفکر سه‌گانه هرچه بیشتر در نزد دانشجویان متأهل رواج داشته باشد، بر میزان رضایت زناشویی دانشجویان متأهل افزوده می‌شود و بالعکس. شایان ذکر است که در این رابطه بیشترین همبستگی در رابطه بین سبک قانون‌گذارانه با رضایت زناشویی است. این رابطه در صورتی است که مؤلفه‌های سبک تفکر با متغیر بهزیستی روان‌شناختی به عنوان دو متغیر مستقل در قبال پیش‌بینی رضایت زناشویی همبستگی بالایی با هم ندارند.

بین سبک‌های تفکر با بهزیستی روان‌شناختی (با کنترل رضایت زناشویی) رابطه وجود

دارد.

جدول ۸: نتایج ضریب همبستگی جزئی بین مؤلفه‌های سبک‌های تفکر با بهزیستی روان‌شناختی

بهریستی روان‌شناختی	رضایت زناشویی	قانون‌گذارانه	قضایی	اجرایی	
					ضریب همبستگی
					اجرایی
					سطح معناداری
					درجه آزادی
				۰/۹۳۱	ضریب همبستگی
				۰/۰۰۰	سطح معناداری
				۸۱	درجه آزادی
			۰/۹۴۰	۰/۸۹۵	ضریب همبستگی
			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
			۸۱	۸۱	درجه آزادی
					قانون‌گذارانه
		۰/۱۴۸	۰/۰۸۹	۰/۰۳۲	ضریب همبستگی
		۰/۱۸۳	۰/۴۲۵	۰/۷۷۲	سطح معناداری
		۸۱	۸۱	۸۱	درجه آزادی
					رضایت‌زناشویی
	۰/۲۵۱	۰/۳۶۶	۰/۳۳۳	۰/۲۷۸	ضریب همبستگی
	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	سطح معناداری
	۸۱	۸۱	۸۱	۸۱	درجه آزادی
					بهریستی روان‌شناختی

با توجه به داده‌های جدول فوق رابطه بین سبک‌های تفکر اجرایی و قانون‌گذارانه و اجرایی با بهزیستی روان‌شناختی با کنترل رضایت زناشویی معنادار نیست؛ چون مقدار r در مؤلفه‌های یاد شده در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ به ترتیب با مقدار $0/032$ ، $0/089$ و $0/148$ معنادار نیست. این در حالی است که سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی رابطه معناداری از لحاظ آماری دارد.

بین رضایت زناشویی با بهزیستی روان‌شناختی (با کنترل سبک‌های تفکر) رابطه وجود دارد.

جدول ۹: نتایج ضریب همبستگی جزئی بین مؤلفه‌های رضایت زناشویی با بهزیستی روان‌شناختی

بهریستی روان‌شناختی	رضایت زناشویی	قانون گذارانه	قضایی	اجرایی	
					ضریب همبستگی
				۰/۲۵۱	بهریستی روان‌شناختی
				۰/۰۲۲	رضایت زناشویی
			۰/۲۷۸	۰/۰۳۲	ضریب همبستگی
			۰/۰۱۱	۰/۰۷۲	اجرایی
			۸۱	۸۱	ضریب همبستگی
		۰/۹۳۱+	۰/۳۲۳	۰/۰۸۹	قضایی
		۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۴۲۵	ضریب همبستگی
		۸۱	۸۱	۸۱	اجرایی
	۰/۹۴۰	۰/۸۹۵	۰/۳۶۶	۰/۱۴۸	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۱۸۳	قانون گذارانه
	۸۱	۸۱	۸۱	۸۱	ضریب همبستگی

با توجه به داده‌های جدول فوق رابطه بین بهزیستی روان‌شناختی با رضایت زناشویی معنادار است؛ چون مقدار r در مؤلفه‌های یاد شده در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ با مقدار $0/251$ معنادار است. این در حالی است که سبک‌های تفکر با بهزیستی رابطه معناداری از لحاظ آماری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

کارل آلبرشت (به نقل از زانگ و پاستیگلیون، ۲۰۰۱) سبک تفکر را روشی می‌داند که به وسیله آن اطلاعات پردازش می‌شود؛ شیوه‌ای که اطلاعات خود را به دست می‌آوریم، تفکر خود را سازمان می‌دهیم، دیدگاه‌ها و عقاید خود را شکل می‌دهیم، ارزش‌های خود را به کار می‌بندیم، مسائل را حل می‌کنیم، تصمیم می‌گیریم

و با آن خود را به دیگران می‌شناسانیم. گر چه از نظر اصطلاح شناسی میان نظریه پردازان در زمینه سبک تفکر اختلاف نظر وجود دارد، اما همه در این مورد اتفاق نظر دارند که افراد برای رمزگردانی، ذخیره و پردازش اطلاعات در ذهن، شیوه ثابت و متمایزی دارند که این شیوه مستقل از هوش است (اتکینسون^۱، ۱۹۹۸، به نقل از رضوی و شیری، ۱۳۸۴). به طور کلی مفهوم سبک‌های تفکر ریشه‌ای روان‌شناختی دارد. کارادماس (۲۰۰۷) بهزیستی روان‌شناختی را به‌عنوان واکنش عاطفی و شناختی فرد به ادراک ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصی، تعامل مؤثر و کارآمد با جهان، رابطه و پیوند مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت و سازنده در طی زمان تعریف می‌کند. بهزیستی روان‌شناختی مستلزم درک چالش‌های وجودی زندگی است. رویکرد بهزیستی روان‌شناختی، رشد و تحول مشاهده شده در برابر چالش‌های وجودی زندگی را بررسی می‌کند و به شدت بر توسعه روابط انسانی تأکید دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این پژوهش رابطه بین مؤلفه موضوعات شخصی با کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، رابطه بین زناشویی با کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، رابطه بین حل تعارض با تسلط بر محیط و پذیرش خود، رابطه بین مدیریت مالی با کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، رابطه بین فعالیت‌های اوقات فراغت با کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، رابطه بین روابط جنسی با کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، رابطه بین ازدواج و فرزندان با مؤلفه‌های خود مختاری، تسلط بر محیط و پذیرش خود، رابطه بین اقوام و دوستان با کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی و در نهایت نیز رابطه بین جهت‌گیری‌های مذهبی با مؤلفه‌های ارتباط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، رشد شخصی و نیز پذیرش خود از مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی معنادار است، یعنی میزان رضایت زناشویی بالای دانشجویان متأهل در مؤلفه‌هایی یاد شده بر میزان بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها می‌افزاید و بالعکس.

اولسون (۱۹۸۹) مطالعه‌ای درباره ارتباط بین سلامتی و تجربیات زناشویی انجام

داد. نتایج نشان داد که افراد شرکت کننده در پژوهش گزارش‌های تنیدگی و بیماری‌های جسمانی و روانی بیشتری را درباره خود مطرح می‌کنند و در مقابل آن‌هایی که ازدواج مجدد داشته‌اند و از ازدواج‌شان رضایت دارند مشکلات فیزیکی و روانی کمتری را گزارش کرده‌اند پس بین میزان سلامت روان و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد که با نتایج این پژوهش همسو است.

درباره نقش تبیین‌کنندگی هر یک از مؤلفه‌های رضایت زناشویی در رابطه با بهزیستی روان‌شناختی از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شد که نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که ارتباط مثبت با دیگران بر اساس مؤلفه‌های رضایت زناشویی، از لحاظ آماری معنادار است و این مؤلفه‌ها بخشی از واریانس ارتباط مثبت با دیگران را تبیین می‌کند. اطلاعات مربوط به ضریب تبیین پیش‌بینی چندگانه ارتباط مثبت با دیگران بر اساس مؤلفه‌های رضایت زناشویی، متغیر جهت‌گیری‌های مذهبی به عنوان پیش‌بین‌ترین مؤلفه رضایت زناشویی متغیر فعالیت‌های اوقات فراغت بعد از متغیر فوق قرار دارد.

ریف^۱ (۱۹۸۹) یکی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را روابط مثبت با دیگران بر می‌شمرد. این بعد با مرحله ششم نظریه اریکسون (۱۹۶۳) منطبق است که آغاز بزرگسالی را پوشش می‌دهد. مرحله‌ای که اریکسون نام آن را «همپوشی با دیگری در برابر انزوا گزینی» می‌نهد.

ریف (۱۹۸۹) خود پیروی یا خودمختاری^۲ را با متغیرهایی همچون استقلال^۳، منبع کنترل درونی، فردیت و رفتارهای منظم درونی توضیح می‌دهد. این متغیرها به این معنی است که تفکرات و احساس یک فرد مربوط به خود اوست و نباید تنها علت‌های بیرونی را دخیل دانست. تسلط بر محیط شامل توانایی مدیریت امور روزمره برای کنترل فعالیت‌های پیچیده بیرونی، توانایی استفاده مؤثر از فرصت‌های محیطی و انتخاب یا ایجاد موقعیت‌های متناسب با نیازهای مشخصی است. احساس مهارت

1 Ryff

2. Autonomy

3. Independence

زمانی حاصل می‌شود که افراد نیازها و خواسته‌های مشخص خود را ادراک کنند و برای به‌دست آوردن آن‌ها احساس توانمندی کنند و بدین سبب در جهت برآورده کردن نیازهای خود در محیط، فعالیت‌های عملی انجام دهند (چامبرز^۱ ۱۹۹۹؛ به نقل از افضلی، ۱۳۸۶).

ریف (۱۹۸۹) داشتن درک روشن و هدفدار و مشخص در زندگی را بسیار مهم می‌داند و معتقد است که شخص باید احساس کند زندگی او هدفدار و پرمعناست (چامبرز، ۱۹۹۹؛ به نقل از افضلی، ۱۳۸۶) این مفهوم شامل اهداف فرد برای زندگی و داشتن احساس جهت‌بندی است. پذیرش خود در نظریه بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) از طریق ویژگی‌هایی نظیر روابط گرم، رضایت بخش، قابل اطمینان با دیگران، حساسیت نسبت به رفاه دیگران، توانایی همدلی بالا، قابلیت عاطفی و صمیمیت مشخص می‌شود (شکری و همکاران، ۱۳۸۷).

یافته‌های فرضیه اول پژوهش از طریق تحلیل واریانس چند متغیره با احتمال ۹۵٪ درصد می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری در سبک‌های تفکر افراد به تفکیک جنسیت، سن و سطح تحصیلات افراد وجود ندارد. زنانگ و استرنبرگ (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند که سبک‌های تفکر بر مبنای ویژگی‌های فردی (مثل سن و جنس) رابطه معنادار دارد. که با نتایج این پژوهش همسو نیست. حمامکی^۲ (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط تفکرات غیر منطقی و سازگاری زناشویی در زنان و مردان نتیجه گرفت بین سن، جنسیت و تفکر رابطه معناداری وجود ندارد که با نتایج این پژوهش همسو است.

اطلاعات به‌دست آمده از فرضیه دوم پژوهش تفاوت معناداری در میزان رضایت زناشویی افراد به تفکیک جنسیت، سن و سطح تحصیلات آن‌ها نشان نمی‌دهد. همستروم (۱۹۹۶) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید میزان رضایت زناشویی مردان نسبت به زنان بالاتر است که با نتایج این پژوهش همسو نیست.

اطلاعات به‌دست آمده از فرضیه سوم پژوهش تفاوت معناداری در میزان رضایت زناشویی افراد به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات آن‌ها نشان نداد. فقط در متغیر سن رابطه خطی با

-
1. Chambers
 2. Hamamci

بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان وجود دارد و نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان داد که در زیر مؤلفه خود مختاری، گروه سنی بیست تا سی سال نسبت به گروه سنی سی و یک تا چهل سال از بهزیستی روان‌شناختی مطلوب‌تری بهره‌مند هستند.

مطالعات اخیر درباره وجود تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی روان‌شناختی، نتایج متناقضی را به همراه داشته و حاکی از نبود اتفاق نظر در نتایج است. بر اساس مطالعات انجام شده در بسیاری از ابعاد بهزیستی بین دو جنس تفاوت وجود دارد. استفنز و دالبرگ^۱ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای به منظور بررسی سلامت روانی جمعیت کانادایی، تفاوت‌های جنسیتی را گزارش کردند، نتایج این پژوهش‌ها با نتایج این پژوهش همسو نیست.

بنابراین، بین سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه به صورت مستقیم است. پس سبک‌های تفکر به صورت اجرایی، قانون‌گذارانه و نیز قضایی هر چه قدر در میان دانشجویان متأهل رونق داشته باشد، رضایت زناشویی آن‌ها افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین رابطه بین سبک تفکر قانون‌گذارانه و بهزیستی روان‌شناختی نیز به صورت مستقیم و معنادار است. از طرف دیگر رابطه بین رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در سطح $\alpha = 0/05$ با مقدار $r = 0/277$ معنادار است و این رابطه به صورت مثبت و مستقیم ارزیابی شده است پس رضایت زناشویی بالا با بهزیستی روان‌شناختی بالا همراه است و بالعکس.

از آنجا که یک محقق می‌تواند برخی از متغیرهای ناخواسته را با برنامه‌ریزی صحیح به صورتی کنترل کند که شرایط مساوی برای همه آزمودنی‌های مورد پژوهش وجود داشته باشد تا بدین ترتیب اثر آن متغیرهای ناخواسته را بر نتیجه پژوهش، تحت کنترل خویش درآورد، در واقع با انجام دادن این عمل، محدودیت‌هایی را برای خود به وجود می‌آورد که کنترل آن‌ها در اختیار خود او است و از طرف دیگر کنترل برخی از متغیرهای ناخواسته و مزاحم نیز در اختیار پژوهشگر نیست.

پژوهشگر در اجرای پژوهش کنونی با محدودیت‌هایی مواجه بود که برخی از آن‌ها به شرح زیر بود:

- محدود بودن جامعه آماری به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- محدود بودن ابزار اندازه‌گیری به سه پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ و واگنر، رضایت زناشویی انریچ و بهزیستی روان‌شناختی ریف.
- محدود بودن نمونه پژوهش به ۱۵۰ دانشجوی به علت محدودیت در زمان اجرای پژوهش.
- ناقص بودن بعضی از پاسخ‌نامه‌های برگردانده شده که خود باعث افت نمونه‌گیری شد.
- تمایل نداشتن برخی از دانشجویان در پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها.
- به دلیل خصوصی بودن برخی سؤالات، آزمودنی‌ها با صداقت کامل پاسخگو نبودند.
- پیشینه مربوط به موضوع پژوهش در داخل و خارج از کشور اندک بود و درباره سبک تفکر، رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی هیچ پژوهشی یافت نشد که این مطلب نتیجه‌گیری را دشوار می‌کرد.
- با توجه به اینکه ابزار سنجش پژوهش پرسشنامه بود و احتمال اینکه در زمان تکمیل پرسشنامه توسط دانشجویان کمبود وقت، خستگی و تعداد زیاد سؤالات باعث فقدان تمرکز شده باشد. بنابراین، نمی‌توان با اطمینان کامل نتایج را اعلام کرد.
- پیشنهادات برخاسته از پژوهش کنونی عبارت بودند از:
- اجرای پژوهش در سایر دانشگاه‌های کشور و مقایسه نتایج آن‌ها با نتایج پژوهش حاضر.
- رابطه بین دیگر سبک‌های تفکر (به‌جز قانون‌گذارانه، اجرائی و قضاوت‌نگری) با رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی بررسی شود.
- عوامل مؤثر بر سازگاری، رضایت زناشویی و همچنین سلامت روان افراد جامعه شناسایی شود.
- رابطه سلامت روان و رضایت زناشویی با متغیرهای مدت ازدواج، تعداد فرزندان و... سنجیده شود.
- بررسی رابطه علت و معلولی بین رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی بدین معنی که کدامیک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و کدام یک تأثیرپذیر است.
- عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت اجتماعی- اقتصادی، محل

زندگی، آداب و رسوم فرهنگی و غیره زمینه‌هایی هستند که می‌توانند بر ازدواج و رضایت زناشویی تأثیر بگذارند. با توجه به اینکه این زمینه‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند، اجرای پژوهش‌هایی در این راستا برای شناسایی و ایجاد تغییرات لازم ضروری است. لذا پژوهش فعلی می‌تواند نقطه آغازی برای اجرای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه باشد.

- کاربرد عملی پژوهش کنونی در مشاوره است؛ یافته‌های آن را می‌توان هم در برنامه‌های آموزشی قبل از ازدواج و هم در کارگاه‌های آموزش مهارت‌های سلامت روان و زندگی مشترک به کار برد.
- دانشجویان با استفاده از پرسشنامه سبک‌های تفکر می‌توانند از سبک تفکر خود آگاه شوند و تدابیری فراهم کنند که در صورت لزوم سبک تفکر خود را در جهت قانون‌گذارانه، اجرایی و قضایی تغییر دهند تا در زندگی مشترک باعث رضایت و سلامت آن‌ها شود.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه مسائل مختلف زناشویی (روابط با فرزندان- تربیت منطقی- عاطفی و اخلاقی فرزندان- روش‌های مقابله با تعارضات زناشویی) به نسبت نیازها، زیرا پژوهش‌ها نشان داده که آموزش‌های روان‌شناختی و منطقی- عاطفی بر افرادی که منطبق پایینی داشته‌اند در روابط آن‌ها بسیار مؤثر بوده و رضایت بیشتری را نشان داده‌اند.
- تهیه بروشور و مطالب آموزشی درباره مهارت‌های لازم برای زندگی سالم زناشویی.
- از طریق رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون آموزش‌هایی در جهت چگونگی تأثیر رضایت زناشویی بر سلامت روان به عموم داده شود تا به آگاهی لازم برسند.
- با توجه به اینکه انجمن اولیاء و مربیان می‌توانند رابطه تنگاتنگی با خانواده‌ها داشته باشند در این زمینه فعال شوند و با استفاده از متخصصان مشاور به ارائه خدمات لازم در این زمینه‌ها اقدام کنند.

منابع

- افضلی، اعظم (۱۳۸۶). بررسی نقش استرس‌های فرهنگی در بهداشت روانی دانشجویان، مجموعه مقالات دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان.
- استرنبرگ، رابرت، جی (۱۳۸۱). سبک‌های تفکر، ترجمه علاء‌الدین اهری و علی‌اکبر خسروی. تهران: دادار.
- بک، ارون (۱۳۷۳). عشق هرگز کافی نیست، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، پنگوئن.
- بهارى، سيف اله (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره چهارم، صفحه ۲۷-۴۰.
- بیانی، علی‌اصغر، حمد کوچکی، عاشور و بیانی، علی (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف، مجله روانشناسی بالینی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲، صفحه ۱۴۶-۱۵۱.
- دلاور، علی (۱۳۸۶). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- رضوی، عبدالحمید و شیرین، احمدعلی (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی رابطه بین سبک‌های تفکر دختران و پسران دبیرستانی با پیشرفت تحصیلی آنان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۲، سال چهارم، صفحه ۸۶-۱۰۸.
- سیف، سوسن (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده، تهران، دانشگاه الزهراء (س).
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). روان‌شناسی پرورش نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزشی، تهران: رشد.
- شاملو، سعید (۱۳۷۲). بهداشت روانی. تهران: رشد.
- شکری امید، کدیور، پروین، فرزاد، ولی‌اله، دانش‌پور، زهره، دستجردی، رضا و پایزی، مریم (۱۳۸۷). بررسی ساختار عاملی نسخه‌های فارسی سه، نه و ۱۴ سئوالی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲، پاییز ۵۳، صفحه ۱۵۲-۱۶۱.

فیشر، رابرت (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: رسش.

گلاسر، ویلیام و گلاسر، کارلین (۱۳۸۱). ازدواج بدون شکست، ترجمه سمیه خوش نیت نیکو و هدی برازنده. تهران: محقق.

گریشام، جان (گری) (۱۳۷۶). رازهایی درباره روابط زناشویی. ترجمه قدیر گلکاریان، تهران، یاران.

میکائیلی منیع، فرزانه (۱۳۸۷). مقایسه بهزیستی روانی مادران با و بدون دانش آموزان ابتدایی کم‌توان ذهنی: اثر سبک‌های مقابله‌ای، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال هشتم، شماره ۱، صفحه ۵۳.

نوری، رضا، مکی، آذرخش، محمدی فر، محمد و یزدانی، اسماعیل (۱۳۸۱). مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران، مجله روان‌شناسی و علوم روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۲، شماره ۱ صفحه ۳۱-۳۴.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). تحلیل داده‌های چندمتغیره در پژوهش رفتاری. تهران: رشد.

Green , Rosalyn Virginia (1995). *The relation ship between age ,salary,proquest dissertation abstracts.*

Hamamci,Z.(2005).Disfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior&Personality*,33(4),313-328.

Hemstroom,O.(1996). Is marriage dissolution linked differences in mortality risk for men&women?*journal of marriage&the family*.vol:58(2);p:366-378

Karademas,E.C.(2007).Optisim,self efficacy and information processing of threat and Well-being related stimuli, *stress andhealth*,23,5,285-294.

Levenson & Robert.W.(1993).Long term marriage, Age, gender, & satisfaction. *journal of psychology & again*.vol:8(2),p:301-313.

Locas,R.E.& Dyrenforth.P.S.(2006).*Does the existence of social relation ship matter for subjective Well-being?*InK.D.Vohs&E.J.Finkle(Eds).self and relation ships:connecting intrapersonal and interpersnalslprosses (PP.254-273).New yourk:Guilford press.

Olson, D.(1989).*Famililies: what makes them work*.Beverly Hills, CA:sage.

Ryan.R & Deci, M.(2001).On happiness and potential:A review of research on hedonic and eudemonic Well-being:*Annual review of psychology*,52,141-166.

Ryff,C. D.(1989).Happiness is everything,or is it?Explorations on the meaning of psychological Well-being*journal of personality and social psychology*,57,1069-1081.

Stephens, T., & Dulberg, C. N. (1999). Mental Health of the Canadian population ,A comprehensive analysis, *journal.chronicdiseases in canada*, 20, 118-126.

Steven, D., & Kiger, G. (2000). Working hard and hardly working: domestic & marital satisfaction among dual-earner couple” *journal of marriage & the family*. vol: 60. issue: 3., p:577-589.

Sternberg, R. J. (1997). *Thinking styles*. Newyourk :combridge university press.

Zhang, L. F. & Postiglione. (2001). Thinking styles, self-esteem, and socio-economic status. *Personality and Individual Differences*, 31(8): 1333- 1346.